**بررسی قدرت شنیدن اموات در پرتو قرآن و روایات**

**تألیف:**

**تهیه شده در سایت عقیده**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | بررسی قدرت شنیدن اموات در پرتو قرآن و روایات |
| **تألیف:** | تهیه شده در سایت عقیده |
| **موضوع:** | معاد (حیات بعد از مرگ و قیامت) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[به نام خدا 2](#_Toc383022444)

[مقدمه 2](#_Toc383022445)

[شبهه سلام و قدرت شنوايي اموات 4](#_Toc383022446)

[معني سلام از قرآن 4](#_Toc383022447)

[آيا مردگان بي جان مي‌شنوند؟ 8](#_Toc383022448)

[چرا «الموتي» و «الصم» با هم آمده‌اند؟ 8](#_Toc383022449)

[داستان حضرت عزير 11](#_Toc383022450)

[مرده از زنده خبر ندارد تا روز قيامت 12](#_Toc383022451)

[حروف (ما) و (من) چه فرقي دارند؟ 13](#_Toc383022452)

[‏حضرت عيسي و بي اطلاعي از امتش تا زمان برانگيختن 13](#_Toc383022453)

[بي خبري انبياء از اين دنيا در زمان مرگشان 14](#_Toc383022454)

[مرده حس و شعور ندارد 15](#_Toc383022455)

[هدف از بعث و برانگيختن چيست؟ 15](#_Toc383022456)

[شبهه عذاب قبر و ناشنوايي اموات 16](#_Toc383022457)

[اثبات عذاب قبر از قرآن 17](#_Toc383022458)

به نام خدا

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

الحمد لله رب العالـمين مالك يوم الدين، إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ ‌بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا. من يهده الله فلا مضل‌ له ومن يضلله فلا ‌هادي‌‌ له وأشهد أن لا‌ إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. والصلاة والسلام على رسول الله محمد وعلى آله وصحبه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلی يوم الدين.

 أما بعد:

مقاله حاضر جوابی راسخ در حق كسانی است كه بدون آگاهی و فقط بنا به نظر و استنباط و بدون تأمل در آیات و احادیث آستین بدعت بالا زده و برای هر عبادتی كه ساخته‌اند بهانه‌ای هم از جانب خود آورده و بدعتی به نام عبادت ساخته‌اند و نا آگاهانه دچار لغزش شده‌اند و گروهی هم ساده اندیش و مقلد را دنبال خود كرده‌اند كه آن مبدعان خود سه گونه‌اند:

1. در اثر علم كثیر و استفاده از تشابهات، شیطان بر آنها غلبه كرده و بدعت می‌كنند.
2. نا آگاهانه و فقط بخاطر ترغیب و تنبیه در عبادات بدعت ساخته‌اند.
3. بدلیل عدم علم كافی مسلمین، دشمنان دین برای آنها در لباس قرآن و حدیث عباداتی پدید آورده‌اند.

برای نمونه خواندن قرآن برای اموات و تلقین بر اموات و توسل و... از بدایعی هستند كه برخی از عالمان بدلایل فوق بوجود آوره‌اند.كه تابحال از طرف بسیاری از عالمان و متخصصان رد شده‌اند من، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان، اعجاز دیگر قرآن و حدیث/ توسل توحید حقیقیی و... آنها را مطرح نموده ام. لكن شبهه‌ای كه وجود دارد همانا شنیدن و نشنیدن اموات است. و ما هم می‌دانیم كه هر روایتی مقبول نیست چه بسا روایاتی موضوع و مجهول وجود دارند كه اثبات و رد آنها فقط از طریق قرآن امكان دارد.

ومن الله التوفیق

شبهه سلام و قدرت شنوايي اموات

وقتی از عدم قدرت شنوایی اموات سخن می‌گوییم یعنی اینكه اموات قدرت شنوایی ندارند. بعد از بیان آیات صریح در مقابل احادیث مشكوك، برخی این آیه كلام الله را بهانه كرده و می‌گویند كه: در آیه (احزاب: 56) می‌فرماید:

‏﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ [الأحزاب: 56].

«خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان كه باید سلام بگوئید». ‏

البته همه مؤمنان در نماز بخش تشهد و تحیات، بر نبی اكرم سلام عرضه می‌كنند (السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته) و در آخرش هم صلوات می‌فرستند (اللهم صل على محمد وعلى آل محمد) كه این خود مصداق این آیه است.

اگر مردگان نمی‌شنوند پس چرا بر آنها سلام می‌كنیم؟

برای جواب دادن به این سوال اول بایستی معنای واقعی «سلام» را روشن كنیم:

معني سلام از قرآن

﴿يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦﴾ [المائدة: 16].

«خداوند با آن (كتاب) كسانی را به راههای امن و امان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت می‌كند كه جویای خوشنودی او باشند، و با مشیت و فرمان خود، آنان را از تاریكیهای (كفر و جهل) بیرون می‌آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می‌برد، و ایشان را به راه راست رهنمود می‌شود». ‏

«السَّلامِ» أمن، محفوظ از خطر، دارای سلامتی جان ومال، مسلمةٌ من العیوب. لا عیب فیها.

ابن عباسب: (مسلمةٌ)، لا عَوَارَ فیها.

در آیات زیر هم همین معنا بكار رفته:

﴿قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا ذَلُولٞ تُثِيرُ ٱلۡأَرۡضَ وَلَا تَسۡقِي ٱلۡحَرۡثَ مُسَلَّمَةٞ لَّا شِيَةَ فِيهَاۚ قَالُواْ ٱلۡـَٰٔنَ جِئۡتَ بِٱلۡحَقِّۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفۡعَلُونَ ٧١﴾ [البقرة: 71].

القول فی تأویل قوله تعالى: ﴿مُسَلَّمَةٞ﴾

أبو جعفر: و معنى «مسلمة» «مفعلة» من «السلامة». یقال منه: «سلِّمت تسلم فهي مسلمة». (تفسیر ابن كثیر).

یعنی ریشه سلام همان سلامت و امنیت كامل می‌باشد از هر گونه شر و بدی و نگرانی.

‏ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞۚ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٩٤﴾ [النساء: 94].

«ای كسانی كه ایمان آورده‌اید! هنگامی كه (برای جهاد) در راه خدا به مسافرت رفتید تحقیق كنید (كه با چه كسانی می‌جنگید. آیا مسلمانند یا كافر) و به كسی كه به شما سلام كرد (و سلام نشانه پذیرش اسلام است) مگوئید: تو مؤمن نیستی، و جویای مال دنیای (او) باشید. (بلكه سلام آنان را بپذیرید و پاسخ گوئید و بدانید) كه در پیش خدا غنائم فراوانی است (و آن را برای شما تهیه دیده است و بسی بهتر از ثروت و غنیمت دنیای فانی است). شما پیش از این، چنین بودید (و كفر را گردن نهاده بودید و جنگ‌های شما تنها انگیزه غارتگری داشت) ولی خداوند بر شما منّت نهاد (و نعمت اسلام را نصیبتان كرد) پس (به شكرانه این نعمت بزرگ) تحقیق كنید. بیگمان خداوند از آنچه می‌كنید باخبر است».

حال با توجه به توضیحات بالا معلوم است اگر اندكی عربی را بدانیم عبارت «السلام عليك/ السلام عليكم و...» یك عبارت ساده نبوده و بلكه دعا می‌باشد یعنی سلامت و مصون باش (ید) از هر گونه بلا و عذاب.كه این هم برای زندگان مقبول است و هم برای مردگان بسی نافع است چون

﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: 10].

«‏كسانی كه پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را كه در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و كینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی». ‏

از ماندگان و زندگان مابعد می‌گوید كه: برای گذشتگان خود دعای خیر می‌كنند پس دعای سلامت برای مرده و زنده بسیار مؤثر است زیرا پیامبر نیز با زیارت قبور چنین می‌كردند. اول دعای سلامتی را برای آنها می‌خوانند «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ...».

نیز تاكید خداوند:

‏ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧﴾ [النور: 27].

«ای مؤمنان ! وارد خانه‌هائی نشوید كه متعلّق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا در كوبیدن و كارهائی جز اینها) و سلام كردن بر ساكنان آن. این كار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام). امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید».

خداوند امر می‌كند در هنگام دخول به مكانی غیر از مكان خود كه در آن اهلی باشند بعد از اجازه باید سلام كنید. اما چرا؟؟

جواب: زیرا همانگونه كه گفتیم، سلام یعنی سلامتی، امنیت، صلح و... .یعنی وقتی بر اهل سلام می‌كنی منظور تو از سلام آشكار كردن خود برای آن اهل است و دزدكی و مخفیانه به آنها وارد نمی‌شوی پس؛ با دادن سلام اعلام می‌كنی كه آنها در امنیت هستند. زیرا معمولا افرادی كه قصد دستگیری فردی را دارند یا قصد آزار و اذیت كسی را داشته باشند ناگهان و بدون سلام وارد می‌شوند.

یا آیه (61: نور).

﴿فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗ﴾ [النور: 61].

«هر وقت داخل خانه‌ای شدید بر همدیگر سلام كنید، سلام پربركت (و لبریز از خیر و ثواب فراوان، و تقویت‌كننده پیوند موجود میان دل‌های مردمان، و درود) پاكی كه به فرمان خدا مقرّر است (و موجب صفا و صمیمیت می‌گردد)».

نیز تأكید زیاد رسو ل الله خود دلیل بر اثبات همین موضوع است:

«حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ أَبِي الْخَيْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ» [صحیح بخاری، باب افشاء سلام]. « از عبدالله بن عمر ب روایت است كه: شخصی از نبی اكرم پرسید: اسلام چه كسی بهتر است؟ رسول خدا فرمود: «اسلام كسی كه به آشنا و بیگانه سلام گوید و طعام دهد».

«أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» [صحیح مسلم: كتاب ایمان، باب: «بَيَانِ أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ» [ابوداود/ ابن ماجه/ نسائی/ احمد/ ابن شیبه- جزء6].

پس، بعد از طعام دادن دیگران، سلام دادن (طبق آیه 61/ سوره نور) سبب بركت و رحمت است كه آن برای هر كسی مرده یا زنده نیكو و خیر رسان است.

آيا مردگان بي جان مي‌شنوند؟

‏﴿قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ٧٢﴾ [الشعراء: 72].

 ‏«گفت: آیا هنگامی كه آنها را به كمك می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند»؟

‏﴿إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ٨٠﴾ [النمل: 80].

«بی‌گمان تو نمی‌توانی مرده را شنوا بگردانی، و ندای (دعوت خود) را به گوش كران برسانی، وقتی كه (به حق) پشت می‌كنند و (از آن) می‌گریزند». ‏

نكته: آیا كسی كه از پشت او را صدا بزنند و نشنود با فرد كر و ناشنوا فرقی دارد؟

چرا «الموتي» و «الصم» با هم آمده‌اند؟

جواب: یک فرد كر (صم) اگر از جلو و مقابل او را صدا بزنی چه بسا از روی حركات لب متوجه شده و پاسخ دهد اما اگر او را از پشت و وراء فریاد بزنی نمی‌شنود. چون اگر جانداری می‌شنود اولا بخاطر نعمت گوش می‌باشد ثانیا بخاطر نعمت چشم و عقل. اگر با گوش نشنود احتمال آن دارد كه با دیدن حركات لب متوجه شود. آیا مرده و بی جان كه فاقد این دو نعمت است و بغیر از آن، موتور عقلش خاموش شده بدون دستور از سوی قلب و مغز توانایی شنیدن را دارد؟؟

بنابراین خداوند در آیه (42/ یونس) می‌فرماید:

 ﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يَعۡقِلُونَ٤٢﴾ [يونس: 42].

‏«گروهی از آنان، گوش به سوی تو فرا می‌دهند آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش كران برسانی هرچند نفهمند!» ‏.

بعبارت دیگر افراد كر و صم با دیدن و تعقل می‌توانند از روبرو بشنوند یعنی سخنان را درك كنند.

خداوند نیز شنیدن را در گرو داشتن عقل به ما می‌شناساند.

‏ ﴿إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ٣٦﴾ [الأنعام: 36].

«تنها كسانی می‌پذیرند كه می‌شنوند و خداوند مردگان را برمی انگیزد. و پس از زنده‌شدن به سوی او برگردانده می‌شوند».

در این آیه هم برای عاقلان اشارتی است كه یكی اجابت دعوت میكند چون می‌شنود و یكی مرده است و با شنونده در كنار هم آمده (آیه فوق) تا عاقل بفهمد كه مرده نمی‌شنود. چون در این آیه دو گروه آمده یكی لبیك گویانند و شنوایند و دیگری مردگانند و ناشنوایند و مردگان تا برانگیختن شنوایی ندارند.

‏ ﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَحۡيَآءُ وَلَا ٱلۡأَمۡوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسۡمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ ٢٢﴾ [فاطر: 22].

«و مردگان و زندگان هم مساوی نمی‌باشند. خداوند هر كس را بخواهد شنوا می‌گرداند، و تو نمی‌توانی مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانی». ‏

مرده وزنده برابر نیستند:

مسلماً در بسیاری از چیزها مرده و زنده مساوی نیستند اما در این آیه بعد از ذكر این موضوع از شنیدن و نشنیدن بحث شده است. یعنی در قبر رفتگان ناشنوایند مگر آنكه خداوند آنها را شنوا سازد.

مانند كفار جنگ بدر! كه خداوند بعنوان معجزه رسول گرامی‌اش در آن لحظه آنان را شنوا ساخته بود. اما خداوند همیشه آنرا انجام نمی‌دهد بلكه این از بزرگی و منت اوست كه در برخی موارد برای پیامبرانش سلام الله علیهم مانند جنگ بدر انجام می‌دهد:

3679 – «حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ سَمِعَ رَوْحَ بْنَ عُبَادَةَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ قَالَ: ذَكَرَ لَنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ عَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ أَمَرَ يَوْمَ بَدْرٍ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْ صَنَادِيدِ قُرَيْشٍ فَقُذِفُوا فِي طَوِيٍّ مِنْ أَطْوَاءِ بَدْرٍ خَبِيثٍ مُخْبِثٍ وَكَانَ إِذَا ظَهَرَ عَلَى قَوْمٍ أَقَامَ بِالْعَرْصَةِ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَلَمَّا كَانَ بِبَدْرٍ الْيَوْمَ الثَّالِثَ أَمَرَ بِرَاحِلَتِهِ فَشُدَّ عَلَيْهَا رَحْلُهَا ثُمَّ مَشَى وَاتَّبَعَهُ أَصْحَابُهُ وَقَالُوا: مَا نُرَى يَنْطَلِقُ إِلَّا لِبَعْضِ حَاجَتِهِ حَتَّى قَامَ عَلَى شَفَةِ الرَّكِيِّ فَجَعَلَ يُنَادِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ وَيَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ! أَيَسُرُّكُمْ أَنَّكُمْ أَطَعْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالَ: فَقَالَ: عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تُكَلِّمُ مِنْ أَجْسَادٍ لَا أَرْوَاحَ لَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ» قَالَ قَتَادَةُ: أَحْيَاهُمْ اللَّهُ حَتَّى أَسْمَعَهُمْ قَوْلَهُ تَوْبِيخًا وَتَصْغِيرًا وَنَقِيمَةً وَحَسْرَةً وَنَدَمًا» [رواه البخاری]. «ابوطلحه می‌گوید: نبی اكرم روز بدر، دستور داد تا (جسد) بیست و چهار نفر را از سران قریش را در یكی از چاه های كثیف و متعفن بدر بیندازند. و عادت رسول خدا این بود كه هر گاه بر قومی پیروز می‌شد، سه شب در میدان جنگ می‌ماند. بدین جهت، روز سوم جنگ بدر، دستور داد تا شترش را جهاز كنند. سپس براه افتاد و صحابه نیز بدنبالش براه افتادند. آنها می‌گویند: ما فكر می‌كردیم كه برای انجام كاری می‌رود. ولی آنحضرت به مسیرش ادامه داد تا اینكه كنار آن چاه ایستاد و هر یك از كشته شدگان را با نام و نام پدرش صدا می‌زد و می‌فرمود: «ای فلان بن فلان! و ای فلان بن فلان! آیا بهتر نبود كه از خدا و رسولش، اطاعت می‌كردید؟ همانا ما به آنچه كه پروردگارمان وعده داده بود، رسیدیم. آیا شما هم به آنچه پرودگارتان وعده داده بود، رسیدید»؟

راوی می‌گوید: عمر گفت: ای رسول خدا! با اجسادی كه روح ندارند، سخن می‌گویی؟ رسول الله فرمود: «سوگند به ذاتی كه جان محمد در دست اوست، شما سخنان مرا بهتر از آنان نمی‌شنوید» قتاده میگوید: خداوند آنها را زنده ساخت تا که فرموده های رسول الله را بشنوند، و [این زنده ساختن آنها] فقط بخاطر توبیخ و سرزنش و تذلیل، حسرت و پشیمان ساختن آنها بود.

داستان حضرت عزير

﴿أَوۡ كَٱلَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡعِظَامِ كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٥٩﴾ [البقرة: 259].

«همچون كسی كه از كنار دهكده‌ای گذر كرد، در حالی كه سقف خانه‌ها فرو تپیده بود و دیوارهای آنها بر روی سقفها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌كند؟ پس خدا او را صد سال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گف: چه مدّت درنگ كرده‌ای‌؟ گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یك روز. فرمود: (نه) بلكه صد سال درنگ كرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (كه همراه داشتی) نگاه كن (و ببین كه با گذشت این زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (كه چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین كردیم) تا تو را نشانه (گویائی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. ( اكنون ) به استخوانها بنگر كه چگونه آنها را برمی‌داریم و بهم پیوند می‌دهیم و سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی كه (این حقائق) برای او آشكار شد، گفت: می‌دانم كه خدا بر هر چیزی توانا است».

سوال: آیا حضرت عزیر تا زمانی كه برانگیخته شد از چیزهایی كه در زمان مرگش روی داده بود اطلاع داشت؟ در حالی كه وقتی خداوند از وی سوال می‌كند چقدر در خواب بوده ای، جواب داد: ﴿لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ﴾ روزی یا چندی روز!!.

این بزگوار مدت صد سال ندانست چه شده، حال برخی بنا به استدلال چند حدیث كه احتمال موضوع بودن آنها هست می‌گویند: مرده از اوضاع زائر با خبر است.

مرده از زنده خبر ندارد تا روز قيامت

‏﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ٥﴾ [الأحقاف: 5].

«چه كسی گمراه‌تر از كسی است كه افرادی را به فریاد بخواند و پرستش كند كه (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش كند) پاسخش نمی‌گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلكه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریادخواهندگان غافل و بی‌خبرند». ‏

نكته:

حروف (ما) و (من) چه فرقي دارند؟

كلمه استفهام (ما) برای اشیاء و غیر انسان بكار می‌رود؛ مانند، «ما لون؟» (كدام رنگ)

اما كلمه (من) برای تعریف انسان بكار میرود؛ مانند، «من ذهب؟» (چه كسی رفت؟).

در این آیه هم وقتی از نداكنندگان و عابدین من دون الله بحث میكند از (من) استفاده میكند تا افراد متقی بداند، دون الله فقط بت و اشیاء نیستند بلكه هر چیزی غیر خدا باشد هم از اشیا (ما) و هم از انسان (من) شامل دون الله است.

خداوند به ما می‌فهماند كه كسانی كه صدا زده می‌شوند ﴿مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ﴾تا روز قیامت جواب نمی‌دهند. و از زندگان خبری ندارند و غافل از زندگان هستند.

‏حضرت عيسي و بي اطلاعي از امتش تا زمان برانگيختن

 ﴿وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّۚ إِن كُنتُ قُلۡتُهُۥ فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥۚ تَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِي وَلَآ أَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِكَۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١١٦﴾ [المائدة: 116].

«و (خاطرنشان ساز) آن گاه را كه خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای كه جز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را نیز پرستش كنید؟). عیسی می‌گوید: تو را منزّه از آن می‌دانم كه دارای شریك و انباز باشی. مرا نسزد كه چیزی را بگویم (و بطلبم كه وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی. تو (علاوه از ظاهر گفتار من) از راز درون من هم باخبری، ولی من (چون انسانی بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان می‌داری بی‌خبرم. زیرا تو داننده رازها و نهانیهائی (و از خفایا و نوایای امور باخبری)».

تا روز حساب حتی انبیاء‡ از آنچه پس از مرگشان روی داده باخبر نیستند مانند داستانهای فوق كه در قرآن آمده. از حضرت عیسی در روز حساب سوال می‌شود كه آیا تو به امتت فرمان دادی تا تو و مادرت را پرستش كنند و او بیان می‌دارد كه از آن بی خبر است ﴿مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّ﴾.

بي خبري انبياء از اين دنيا در زمان مرگشان

‏﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبۡتُمۡۖ قَالُواْ لَا عِلۡمَ لَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١٠٩﴾ [المائدة: 109].

«آن روزی كه خداوند پیغمبران را (در پیشگاه خود) گرد می‌آورد و بدیشان می‌‌گوید: به (دعوت) شما چه پاسخی داده شده است‌؟ (آیا ملّت‌هائی كه به سوی آنان فرستاده شده‌اید چگونه از دعوت شما استقبال كرده‌اند و به چه راهی رفته‌اند؟ راه ایمان یا راه انكار پیموده‌اند؟). می‌گویند: ما را هیچ گونه آگاهی و دانشی نیست تو خود (علاوه از ظواهر) از تمام خفایا آگاهی».

در این آیه آمده كه در روز حساب وقتی انبیاء ‡ را جمع میكنند به آنها گفته می‌شود: تا از اوضاع پس از مرگشان از دین امتشان بازگو كنند، اما آنان می‌گویند: ﴿قَالُواْ لَا عِلۡمَ لَنَآ﴾ هیچ علمی ندارند.

مرده حس و شعور ندارد

‏ ﴿أَمۡوَٰتٌ غَيۡرُ أَحۡيَآءٖۖ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٢١﴾ [النحل: 21].

«مردگانی كه غیر از زندگان و خصوصیات زنده ها هستند و حس و شعوری ندارند تا آن كه برانگیخته شوند».

در این مورد بت پرستان شبهه‌ای دیگر دارند، و آن این است كه این آیه در مورد بت های سنگی است نه درباره اولیاء و انبیاء. جواب آن را در ذیل مفصل توضیح می‌دهم:

سوال:

هدف از بعث و برانگيختن چيست؟

‏ ﴿إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ٣٦﴾ [الأنعام: 36].

 «تنها كسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند كه گوش شنوا دارند (و از روی تدبیر و تفكّر سخنان را می‌شنوند. امّا اینان مردگان زنده‌نما هستند) و خداوند مردگان (چون ایشان را به هنگام رستاخیز از گورها) برمی‌انگیزد. و پس از زنده‌شدن به سوی او برگردانده می‌شوند (و مورد بازخواست قرار می‌گیرند و سزا و جزای خود را می‌بینند». ‏

در (انعام: 36) آمده كه بعد از برانگیختن به سوی او باز میگردیم، اما چرا؟

‏ ﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٦﴾ [المجادلة: 6].

«روزی خدا همگان را زنده می‌‌گرداند و آنان را از كارهائی كه كرده‌اند آگاه می‌سازد. كارهائی كه ایشان آنها را فراموش كرده‌اند، ولی خداوند آنها را شمارش كرده است (و به حساب آنان گرفته است). خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است». ‏

حال با توجه به آیه محكم و صریح مجادله آشكار است كه هدف از برانگیختن رسیدگی به حسابها می‌باشد و میزان كردن اعمال و تسویه حساب افعال.

اما آیا بت‌ها حساب دارند؟ مگر بت‌ها عملی یا فعلی انجام می‌دهند تا مورد بازخواست قرار گیرند، چه شر باشد یا چه خیر؟

پس جواب چنین است كه این روز برای آدم و انس است تا به اعمالشان رسیدگی شود نه برای بی جانها (بتهای سنگی)!!.

شبهه عذاب قبر و ناشنوايي اموات

آیا تا بحال برایت پیش نیامده كه خواب وحشتناكی ببینی و در خوابت آسیبی به تو وارد شده باشد در آن حال از خداخواستی هر طور شده نجات یابی؟ چه بسا بسیاری از مردم از خواب‌های اضطراب آور دیده‌اند و زمانی كه بیدار شده‌اند آرام گرفته و خوشحال از اینكه خواب بوده نه واقعیت! برخی می‌گویند: اگر مردگان نمی‌شنوند پس عذاب قبر معنا ندارد، آیا در آن لحظه كه فرد خواب دیده در حال دیدین خواب بود اگر صد كس او را صدا می‌زد می‌شنید؟ در حالیكه به كرات ما تجربه كرده ایم و دیده ایم كه در خواب عذاب سختی دیده‌ایم وقتی ما را بیدار كرده‌اند و از رفتار ما خبر داده‌اند خیلی هم خندیده ایم چون آنچه دیگران میگویند، اصلا در عالم بیداری انجام نمی‌دهیم مثلاً دیگران كه ما را بیدار كرده‌اند می‌گویند كه: ما گفته ایم: «سوختم سوختم» ولی وقتی از ما می‌پرسند اصلا چیزی یادمان نیست.

در حالی كه در وقت دیدن خواب از خدا می‌خواستیم كه هر طوری شده از آن مصیبت نجات یابیم.

پس نشنیدن صدای دیگران، نشانه نبودن و یا بی عذاب بودن نیست بلكه انسان وقتی میمیرد از خصوصیات این جهان خارج می‌شود. عذاب و مصیبتی كه در خواب می‌بینیم شاید در یك ثانیه و یا كمتر و بیشتر باشد اما در عالم خواب گویا زمان اصلا نمی‌گذشت و مثل سالها و روزها و زمانها طولانی بودند.

برای نمونه فردی مجروح شده و توان برخاستن ندارد و با چشمش می‌بیند كه آتشی به سوی او می‌آید پس یك لحظه برایش مانند سال طولانی میگردد. اما خیلی تلاش میكند بلكه بدنش از آن آتش دور گردد.

در آن لحظه اگر صد بار او را صدا بزنی چه بسا اصلا متوجه نمی‌شود و در فكر نجات خود می‌باشد. اگر هم بعد از نجاتش از او بپرسی چرا جواب نمی‌دادی با تعجب می‌گوید: اصلا او را صدا نزده اید و... بنابراین شنیدن و نشنیدن اموات ربطی به عذاب داشتن و نداشتن نیست.

اثبات عذاب قبر از قرآن

‏ ﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾ [غافر: 46].

‏ «و آن آتش دوزخ است كه بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و امّا روزی كه قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید».

 *‏*حال برای تفسیر آیه به تفاسیر مشهور كه از روایات نبی استفاده نموده‌اند بهره می‌بریم:

1. تفسیر طبری:

«حدثنا محمد بن بشار، قال: ثنا عبد الرحمن، قال: ثنا سفيان، عن أبي قيس، عن الهذيل بن شرحبيل، قال: أرواح آل فرعون في أجواف طير سود تغدو وتروح على النار، وذلك عرضها. حدثنا محمد، قال: ثنا أحمد، قال: ثنا أسباط، عن السديّ، قال: بلغني أن أرواح قوم فرعون في أجواف طير سود تعرض على النار غدوّا وعشيًّا»[[1]](#footnote-1).

بعبارت دیگر این ارواح هستند كه در عذاب برزخ آزار می‌بینند.

نكته:

وقتی یك پزشک بخواهد تیغی از بدن شخصی خارج كند بدنش را بی حس میكند و فرد آنرا نگاه كرده بدون اینكه كمترین دردی احساس كند. یا اگر انگشتی قطع شود هر كاری با آن قطعه انگشت انجام بدهند آزاری به فرد نمی‌رسد. اما برعكس اگر به فردی خبری (حتی دروغ) درباره آزار مثلا نیش زنبور بدهند اگر هیچ وقت زنبور وی را نیش نزده باشد به محض اینكه زنبوری به او نزدیك شود درد را احساس كرده و می‌خواهد خود را از دست زنبور برهاند كه این درد مافوق آزاری است كه از نیش زدن زنبور حاصل می‌شود، چون تا قبل از نیش زدن زنبور هر طور شده در صدد دفاع بر می‌آید اما وقتی زنبور نیش می‌زند بعد از مدت زمانی خوب شده و تمام می‌شود و دیگر دردی ندارد. بلكه فرار از آزار نیش زنبور حتی در خواب هم او را اذیت می‌كند و فرد مصدوم دچار اضطراب و درد روانی می‌گردد.

بعبارت دیگر چون پوست بدن بسوزد خیلی درد دارد اما بعد از سوختن كامل دیگر اگر پوست را بكـَنی دردی ندارد در همان حال همان فرد، اگر بر بدنش آتش را نزدیك كنی فریاد زده و داد و هوار راه می‌اندازد تا از آزاری كه به او وارد نشده خلاص شود.

در این آیه هم اشاره شده كه عذاب بر آنها عرضه می‌شود نه اینكه داخل آتش گردند كه این نوع عذاب تا وقتی بطور دائم به آن انداخته شوند چه بسا خیلی دشوار است هر روز تا نزدیك آتش بگردی ای بسوزی یا ای دور شوی!!!!! خداوند ما را از این عذاب و عذاب نار بدور دارد.

1. تفسیر ابن كثیر/ باب 41/ جزء7/ صفحه 146.
2. تفسیرالبحرالمحیط/ باب 41/ جزء 9 / صفحه 421.
3. زاد المسیر/ باب 41 / جزء 5 / صفحه 294.
4. تفسیر البیضاوی/ باب 27 / جزء 5 / صفحه 130.
5. النكت والعیون/ بابا 41 / جزء 4 / 39.
6. الدرالمنثور/ باب 46 / جزء 9/ صفحه 8.
7. تفسیرالخازن/ باب 41 /جزء 5 / صفحه 335.
8. تفسیر الثعالبی/ باب 41 / جزء 3 / صفحه 346.
9. تفسیرمقاتل/ باب 44 / جزء 3 / صفحه 187.
10. البحرالمدید / باب 169 / جزء 1 / صفحه 363.
11. تنویر المقباس/ باب 45 / جزء 1 / 492.
12. الوسیط لسید طنطاو/ باب 36 / جزء 1 / صفحه 3707.
13. ایسرالتفاسیرللجزائری/ باب 41 / جزء 3/ 455.
14. معانی القرآن/ جزء 6 / 228.
15. تفسیر القرآن.../ أرواحهم فی صدر طیر سود/ جزء6/ 136.
16. بسیاری دیگر از تفاسیر .... از حوصله بحث خارج است.

اگر در تمام تفاسیر فوق تحقیق كنی به یقین می‌توان حقیقت را یافت.

وصلی الله علی رسوله محمد وآله وأصحابه ومن دعا بدعوته إلی يوم الدين.

1. - باب46/ جزء21/ صفحه 395. [↑](#footnote-ref-1)